

اخلاق در علوم کشاورزی

نویسندگان

سینا مشایفی

کارشناس ارشد فلسفه اخلاق

مکتب فرزند آسمانی

استادیار گروه زیست و اکرواکولوژی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورزین - پیشوا

سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

۱۳۹۲

سرشناسه	مناخنی، سینا، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	اخلاق در علوم کشاورزی / نویسندگان سینا مناخنی، فرشاد قوشچی.
مشخصات نشر	تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۱۱۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۰۲-۵۳۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	اخلاق زیست محیطی
موضوع	اخلاق مهندسی
موضوع	کشاورزی-مهندسی
سازمان	قوشچی، فرشاد، ۱۳۵۰-
شناسه افزوده	سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
رده بندی کلاس	۱۳۹۲ الف ۳۳/م GE۴۲
رده بندی دیوبند	۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۵

اخلاق در علوم کشاورزی

نویسندگان: سینا مناخنی، فرشاد قوشچی

ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

چاپ: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۲-۵۳۲-۷

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



سازمان انتشارات

نشانی سازمان انتشارات: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - خیابان فخررازی - خیابان شهدای ژاندارمری -

تلفن: ۶۶۹۵۲۹۲۸

مرکز پخش:

خیابان انقلاب - بین فلسطین و چهارراه ولیعصر - جنب مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران - تلفن: ۶۶۴۸۷۶۲۵ - ۶

پست الکترونیکی: info@isba.ir فروشگاه اینترنتی: www.idbookfair.com پایگاه اطلاع‌رسانی: www.isba.ir

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۷
فصل اول: انسان با مبادی اخلاق.....	۱۷
۱- فدا اخلاق.....	۱۹
۲-۱ اخلاق انجمنی.....	۲۶
۳-۱ اخلاق کار بردی.....	۴۱
فصل دوم: زیرشاخه‌های اخلاق کاربردی.....	۴۵
۱-۲ اخلاق مهندسی.....	۴۵
۲-۲ اخلاق زیست محیطی و بیولوژی.....	۴۹
۳-۲ اخلاق فن آوری اطلاعات.....	۵۷
فصل سوم: اخلاق زیست محیطی.....	۶۱
۱-۳ مفهوم آسیب در بازه محیط زیست.....	۶۳
۲-۳ اخلاق انسان محور.....	۶۶
۳-۳ اخلاق جانور محور.....	۷۳
۴-۳ اخلاق کلیت باوری محیط زیست.....	۷۶
۱-۴-۳ اخلاق بوم محوری.....	۸۱
فصل چهارم: اخلاق در کشاورزی.....	۸۱
۱-۴ ارزش کشاورزی.....	۸۵
۲-۴ نقش کشاورزی در جوامع انسانی از گذشته تا کنون.....	۸۹

- ۳-۴- کشاورزی سنتی و صنعتی (مدرن)..... ۹۲
- ۴-۴- کشاورزی پایدار و ارگانیک..... ۹۵
- ۴-۵- چالش‌های کاربرد نهاده‌های شیمیایی و فن آوری نوین در کشاورزی..... ۹۷
- صل پنجم: اخلاق زیست محیطی در اسلام ۱۰۱
- ۱-۵- مفهوم رسوم و سنت‌های بومی در راستای تعالیم اسلام ۱۰۳
- ۲-۵- بحث ایجاد انگیزش توسط رسوم و سنت‌ها در انتخاب‌های اخلاقی حنفی..... ۱۰۹
- ۳-۵- استدلال برای انجام اعمال اخلاقی ۱۱۴
- ۴-۵- استدلال برای ارزش ذاتی امور ۱۱۶

پیشگفتار

خطبه‌ها، انجیل، تورات و غیره را نداشته باشد، با چه ابزاری می‌تواند خود را موجه برای آموختن فلسفه زندگی در این جمله هم در مورد آموختن فلسفه اخلاق - و هم علوم کشاورزی و دامپروری - قرار دهد؟

همه ما متفکران علوم طبیعی را دیده‌ایم که ساعت‌ها درباره اصطلاحاتِ ثقیل فلسفی بحث می‌کنند که برای آنها را نمی‌توان در زندگی دید؛ تنها فایده و ممر درآمد آنها آموختن اصطلاحات به دانشجویانی است که آنها را به دانشجویان دیگر بیاموزانند و ...

و همچنین همه ما متخصصان علوم تجربی همچون علوم کشاورزی را دیده‌ایم که انگار در مورد کارهایی که انجام می‌دهند هیچ‌چون فرد بی اختیار در مقابل فرمولهای تغییر ناپذیر، تسلیم‌آنند و زندگی تاریک و حرفه‌ای آنها از زندگی عمومی و اجتماعی آنها مجزا است.

در این کتاب سعی کرده‌ایم تا با پیوند این دو شاخه و حرکتی که هر دو ریشه در قدیمی‌ترین تفکرات بشری برای زندگی دارند، این دو شاخه از علوم را کاراً برای زندگی فردی گردانیم.

این موضوع از این لحاظ دارای اهمیت برای صرف وقت به‌منظور پیوند این دو شاخه از علوم است، که امروزه یکی از مهمترین معضلاتی که متخصصان با حرفه خود پیدا می‌کنند، مبحث بیگانه شدن متخصصان با حرفه شان و

ناتوانی شان درباره تفکر اخلاقی در بازه حرفه و تفکر معنایابی زندگانی شان در طول زمانی است که مجبورند برای امرار معاش، بوسیله تخصصشان کار کنند. به همین لحاظ سعی کردیم در این کتاب با پیوند دو حوزه تخصصی فلسفه - اخلاق - و علوم کشاورزی با کمک گرفتن از دو متخصص این رشته‌ها، تا مدودی به ضرورت انجام چنین تحقیقاتی جامعه عمل بهوشانیم.

www.ketab.ir

مقدمه

در ابتدا شاید برایتان این پرسش مطرح شود که چرا می‌بایست دانشجوی علوم کشاورزی، درسی را بخواند که در ظاهر به فن و رشته‌ای که بصورت دانشگاهی مسقف به آموختن آن است، مربوط نباشد. درسی که موضوع آن در حیطهٔ قولی و همچون اخلاق یا فلسفهٔ اخلاق باشد. و اینکه آیا مباحثی که در این دروس خوانده می‌اند، در جهت پیشرفت شما در حیطهٔ علوم کشاورزی خواهد بود یا نه. در ظاهر نه، شما برای آموختن فن کشاورزی به دانشگاه آمده اید و باقیِ علمی که مربوط به در جهت این علوم نباشد بگونه‌ای بیهوده، و آموختن آن برای شما علی‌السریع خواهد بود. اما چرا شما می‌بایست دروس اخلاق و مربوط به فن و علمی را که می‌آموزید، بخوانید؟

ممکن است به شما گفته شود، خواندن اخلاق، به جهت این موضوع است که علوم و فنون که از کشاورزی می‌آموزید، نیازمند خواه در ارتباط با امور دیگری قرار خواهد گرفت و این ارتباط تأثیراتی را بر مباحث علمی کشاورزی بر محیط و انسانها خواهد گذاشت. پس ناآگاهی از تأثیرات آن موجب نادیده گرفتن اثرات ارزشی بد و خوب آنها خواهد شد.

شاید شما در ادامه بپرسید که علوم کشاورزی چه ربطی به اخلاق و فن دارد؟ در جواب می‌توان از موارد بسیاری مثال آورد که در آنها، علوم و فنون که در کشاورزی می‌آموزید با آنچه که ما از آن به عنوان ارزش ذاتی حیطه زیست و انسانها نام می‌بریم در تقابل قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، شما در علوم کشاورزی به این موضوع می‌پردازید که محصولی سالم با بیشترین بازدهی را به

مصرف کننده تحویل دهید، اما دروس اخلاق شما را متوجه این موضوع نیز می‌کند که حیوانات، حشرات و گیاهان داخل اکوسیستمی که توسط مدیریت کشاورزی که شما بر آن اعمال کرده اید، دچار چه تغییری شده اند، آیا تصمیمات شما در استفاده از فنون کشاورزی، باعث نابودی یا تغییر امری که ارزش ذاتی داشته، شده است؟

اما باز شما خواهید پرسید، آیا هدف دروس اخلاق، آموزش این فن به آنهاست که در تقابل‌هایی که علوم کشاورزی با مباحث ارزشی پیدا می‌کنند، چه تصمیمی بگیرند؟ در جواب خواهیم گفت، نه. هدف این دروس، دادن شیوه نامه‌ای برای عمل به شما نیست، بلکه بیشتر مباحثی که در اخلاق خواهید خواند در جهت ایجاد تفکر در زمینه تأثیراتی است که از فنون و علوم می‌آموزید، نشان می‌دهد.

اگر خواهیم بطور خلاصه به فی‌نوشتری این کتاب را توضیح دهیم باید بگوییم، اصل موضوع این دروس اینست که به شما بیاموزاند، "دستی که حرکت داده می‌شود و به مانعی همچون صورت یک فرد اصابت می‌کند، دیگر فقط حرکت دست نیست بلکه بوجود آمده مفهومی بنام سلی می‌شود". علوم و فنون نیز اینگونه اند، در حالی تقابل با دیگر امور، مسائلی را می‌آفرینند که در تعریف آنها بصورت پیشینی موجود نبوده است. این امری مسلم است، شخصی که دستش را حرکت می‌دهد مسئول اخلاق و سلی می‌شود که از آن منتج می‌شود، خواهد شد. پس حداقل این موضوع اینست که ما باید تا حد ممکن از تأثیرات جانبی فنون و علوم که می‌آموزیم، آگاه باشیم. اما خواهید پرسید، در این دروس بجز آگاهی یافتن از اثرات جانبی فنون و علوم کشاورزی، چه چیز دیگری خواهید خواند؟

در این دروسی که برایتان در این کتاب خواهیم آورد، شاید بتوانیم این نکته را به شما بگوییم که فراگیری اخلاق به شما خواهد آموخت چگونه در

استفاده از فنونی که می‌آموزید، تفکر کنید، و آنها را بطور اخلاقی در قبال محیط زیست، انسانها و دیگر امور بکار ببرید. و یا اینکه برایتان بگوییم، چگونه خواندن اخلاق باعث می‌شود، علومی که به ظاهر با مسائل انسانی و ارزشی بیگانه است، جزء زندگی انسانی و اخلاقی فرد دانش آموخته می‌گردد.

باید کمی این نکته دوم را توضیح دهیم، یعنی همان ادعایی که گفتیم باقی، باعث برداشتن شکاف حرفه و زندگی می‌شود، یعنی بیگانگی میان آن دو را می‌زداید، این موضوع از این جهت دارای اهمیت است که متخصصی، که روز به روز ساعات بسیاری را با حرفه اش می‌گذراند، این ساعات عمرش، بیگانه با جریان ادعای زندگی انسانی اش نباشد. این موضوع یکی از موارد مهم آموختن اخلاق است. ما در حرفه‌ها در صدد انجام این وظیفه است، که فرد متخصص را از حالت ماشینی و بی‌حسی و عدمت علوم و فنون بودن، در آورد.

به عنوان مثال در طول گذراندن سالهای دانشگاهی و پس از فارغ التحصیلی، اساتید و متخصصان بسیاری را خواهید دید که انگار تمام زندگی شان را باید در جهت تولید فنون صرف کنند و زندگی ماشین‌واری را پی بگیرند، بدون در نظر داشتن اینکه این علوم باید آشنا با دیگر مناسبات انسانی خودشان، و مرتبط با سایر شاخه‌های انسانی و ارزشی شان باشد.

با تمام این تفصیل، آنچه که ما در ابتدا می‌خواستیم برای آشنا ساختن ضرورت آموختن دروس اخلاق (اخلاق مرتبط با فنونی می‌آموزند)، بر آن پافشاریم، تنها این موضع است که این فنون در ارتباط با امور دیگر همچون محیط زیست و انسانها مسبب امری بنام ارزشگذاری انسانی می‌شوند. و نکته دوم و مهمتر، همانطور که پیشتر به آن اشاره کردیم، اینست که باید به این نکته واقف باشیم که اصل دروس اخلاقی که به شما خواهیم آموخت مربوط به آموختن این موضوع نیست که باید چه تصمیمی در قبال

چگونگی استفاده از فنون و علوم کشاورزی در ارتباط با محیط زیست و انسان‌ها بگیرید، بلکه تنها آموختن این موضوع است که این امور ارزش آفرینند و می‌بایست به این امر توجه کرد که در هر وضعیتی بنا بر شرایط موجود، شما علاوه بر بکارگیری فنون، ملزم به گرفتن تصمیم اخلاقی نیز هستید. و این یعنی هر فن و علمی که گستره و بازه‌هایش در ارتباط با دیگر حوزه‌های زیستی سانی قرار می‌گیرد، ناچار وارد حوزه ارزش آفرینی می‌گردد.

پس از بیان این مطالب اکنون می‌توانیم به تحلیل معنای ارزش آفرینی بپردازیم تا با تامل آن ضرورت آموختن این درس را بفهمیم. همانگونه که شاید بتواند بحث تحلیل ارزشگذاری در تخصص رشته فلسفه اخلاق و اخلاق است. یعنی متوجه می‌شویم این رشته‌ها به تحلیل این امور می‌پردازند که اولاً ارزش آفرینی یعنی چه؟ ثانیاً چگونه این امر در مواردی که در ظاهر، ارتباطی به امور ارزشی ندارد شناسایی گردد؟ پس بیاییم در ابتدا تحلیل کنیم که خود مفهوم ارزش و ارزشگذاری در فلسفه اخلاق به معنای چیست؟

جالب اینست که بدانیم از دیر باز بحث ارزش گذاری اخلاقی، مورد توجه انسانها بوده است. ارزش گذاری در حیطه‌های مختلف ارتباط انسان با اموری که با آنها خواسته یا ناخواسته سروکار داشته یا نداشته‌اند، امری همچون ارتباط انسان و اعمالش در قبال طبیعت، خداوند، خدا، اجتماع، دیگر انسانها و قراردادهای...

شما در اینجا شاید بپرسید که قید اخلاقی برای ارزش گذاری چه معنایی دارد؟ آیا انواع دیگری از ارزش گذاری نیز وجود دارد؟ و تفاوت آنها در چه موضوعی است؟

اگر بخواهیم این موضوع را شفاف تر بیان کنیم تا از خلال آن بتوانیم مفهوم ارزش گذاری را بهتر بیان کنیم و قید اخلاقی ارزشگذاری را با مواردی

همچون ارزشگذاری حقوقی و ارزش گذاری زیبایی شناسی و... متمایز کنیم، می‌توانیم از یک مثال سود ببریم، به این مثال توجه کنید:

به عنوان مثال در فرهنگ عامه ما مردم ایران، احترام به نان وجود دارد، یعنی علاوه بر اینکه این فرآورده غذایی مفید برای انسانها است و ارزش غذایی دارد از طرفی دارای ارزش اخلاقی نیز شده است، یعنی هنگامی یک فرد ایرانی در کنار خیابان تکه نانی می‌بیند خم می‌شود، آنرا بر می‌دارد و برای احترام آنرا به گوشه‌ای می‌نهد. اکنون به تمایز این کار با یافتن پول در خیابان توجه کنید. همانم بردن پولی برداشتن پول خم می‌شود، این عمل او برای احترام و ارزش ذاتی پول نیست، بلکه برای استفاده از پول و به بدست آوردن چیز دیگری است که مالکیت آنرا را خراب می‌کند. اما خم شدن برای به گوشه نهادن نان به علت ارزش ذاتی‌ای است که مالکیت آنها برای نان قائل می‌شویم، نه بخاطر چیز دیگر، چون انتفاعی (سود) به گوشه‌ای نهادن نان نمی‌بریم.

این مثال به ما کمک می‌کند به یکی از تمایزهای ارزش گذاری اخلاقی با دیگر ارزش گذاری‌ها را متوجه شویم. این تمایز متوجه شدید که یکی از مواردی که در ارزش گذاری اخلاقی مورد توجه است، بحث احترام به ارزشگذاری ذاتی برای یک موضوع است. حال این ارزش گذاری ارزش گذاری در فرهنگ عامه یا ارزش گذاری عقلانی باشد.

شما شاید بپرسید که قید ذاتی برای ارزش گذاری یعنی چه؟ این بدان معنا است که صرف یک موضوع بدون در نظر گرفتن سود و زیان برای ما داشته باشد دارای حریم، حدود و کلیتی است که تصرف و تغییر آن در حیطه مباحث ارزشی اخلاقی باشد.

اما شما باز خواهید پرسید که آیا مگر این امور بر طبق "قوانین" بندی و نقض حریم آنها حقوقی نشده اند؟ و این اموری که می‌گویید همچون طبیعت و غیره، درباره آنها ارزش گذاری حقوقی پدید نیامده است؟ و اینگونه

نیست که هر شخصی به این موارد (همچون محیط زیست و ...) تعدی کرد، مجازات می‌شود؛ پس دیگر لاجرم نیازی به ارزش‌گذاری اخلاقی نیست.

در جواب به شما خواهیم گفت که در حیطه این نوع از ارزش‌گذاری‌ها که مربوط به تأثیر فنون در دیگر امور می‌شود، هر چند قوانینی کلی وجود دارد، اما این موارد و قوانین حقوقی نمی‌تواند کاربردی باشد و این تنها فرد متخصص است که می‌بایست تصمیم درست اخلاقی را در هر وضعیت منحصر به فرد اتخاذ کند. زیرا قوانین به شما نمی‌گویند که می‌بایست در عمل، به فکر مبتنی استند از سموم و آفت‌کش‌ها باشید، یعنی در آن زمان کدام مجری قانونی، مسئول اخلاقی و وجدان شما ناظر بر اعمالتان است؟

پس علاوه بر این موضوع، یعنی آن ارزش‌گذاری‌هایی که در حیطه فرهنگ عمومی یا اخلاق جاری است، انسان‌ها از هنگامی که شروع به شناختن خود و محیط خود کردند، مورد تأثیر اندیشه‌های عقلانی بودن خود را کشف کنند و بدان التفات بیابند، تا به امر همواره برای شناخت‌هایشان از جهان، نوعی ارزش‌گذاری اخلاقی نیز قائل شده‌اند. بنابراین ارزش‌گذاری اصلی طبیعت موجود در انسان یا اصل تفکیک‌ناپذیر از زندگانی او است. و این موضوع بدین معنا است که انسان توانایی ارزش‌گذاری درباره امور را داراست.

این اصل موجود در روابط انسان، در طی سالیان و با آغاز فکر فلسفی، اندیشمندان را واداشت تا با حیطه‌هایی که قوه عاقله، در بارشان می‌نهد، این ارزش‌گذاری‌ها را صورتی عقلانی بدهند و معیاری برای تشخیص دهند. بنابراین این حوزه از شناخت دارای شاخصه‌هایی گردید و به نام "اخلاق" نام‌گذاری شد. سپس فیلسوفان و اندیشمندان مختلف به تحلیل این حوزه و ارزش‌گذاری پرداختند و معیارهای اساسی آن را به زعم خود بر شمرده. مثلاً

ارسطو آنها در "تعدیل"^۱ یعنی حد واسطه افراط و تفریط، یا اپیکوریان در لذت^۲ و فایده‌گرایان^۳ در حداکثر منفعت برای حداکثر افراد دانستند. در این میان ادیان نیز به سبب همین اهمیت شاخصه‌هایی برای ارزش‌گذاری در اختیار انسانها قرار داده‌اند.

سبب این ضرورت، در فلسفه جدید نیز شاخه‌ای بنام اخلاق یا فلسفه اخلاق از اهمیت بسیاری برخوردار شده است و بجای رشته زیر شاخه‌ای به رشته‌ای تخصصی با زیر شاخه‌های بسیار تبدیل شده است. بدین معنا که به عنوان یک مبحث محوری همچون اینکه اساساً مبحث ارزش‌گذاری در انسان چگونه است و چگونه مباحثی که از امور واقع و طبیعی نشأت می‌گیرند در انسان دارای معانی ارزشی می‌شوند، پردازد. در این میان و به دلیل وسعت شاخه‌های این ارتباط ارتباط انسان با خودش، محیط و امری به نام فن آوری، فلسفه اخلاق شاخه‌های گوناگونی پیدا کرده است.

شاخه‌های اصلی فلسفه اخلاق:

۱- اخلاق هنجاری^۴

۲- اخلاق کاربردی^۵

۳- فرا اخلاق^۶

ما در بخش بعدی برای آشنایی بیشتر با شاخه‌های فلسفه اخلاق با آنها سروکار دارد، شرح مختصری از آنها ارائه خواهیم کرد. اما شاخه‌ای از فلسفه اخلاق که کتاب حاضر در حول آن مسائلی را بررسی کرد مبحث اخلاق

1-Moderate

2-Pleasure

3-Utilitarianism

4-Normative Ethics

5-Applied Ethics

6-Meta Ethics

کاربردی است. و هدف از بیان دیگر شاخه‌ها، ارتباط آنها با اخلاق کاربردی می‌باشد.

و ضرورت یادگیری این مباحث برای دانشجویان علوم کشاورزی اینست که امروزه فلسفه اخلاق -بالاخص اخلاق کاربردی- به دلیل ارتباط بیشتر انسان و محیط، و بیشتر شدن حیطه تأثیرگذاری آنها و تکنولوژی بر محیط و انسانها، برای اهمیت بسیار در علوم حتی غیر مرتبط با فلسفه شده است و حتی جزو دروس اساسی و اصلی علوم تکنولوژیک شده است. اکنون به این مقدمه بالا می‌توانیم به شناخت اصول ابتدایی و تعاریفی که شامل شاخه‌های فلسفه اخلاق است، بپردازیم.

www.ketab.ir